

A Comparative Study of the Component of Bar-On Emotional Intelligence's Social Responsibility in the Quran and the New Testament

Setareh Tehrani / PhD Student of Religions and Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran. tehrani_s89@ymail.com

 **Arastu Mirani** / Assistant Professor of Religions and Mysticism, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Golestan, Iran. arastoomirani@gmail.com

Tahereh Haj-Ebrahimi / Assistant Professor of Religions and Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 2024/03/05 - **Accepted:** 2024/06/13 tahajbrahimi@yahoo.com

Abstract

Today, according to psychology, one of the indicators of a healthy person with developed emotional intelligence is having social commitment and responsibility. The question is: to what extent have the two religions of Islam and Christianity addressed this part of human intelligence? Have the religious leaders of these religions considered this characteristic as a model for their community of believers? Is this component of emotional intelligence recommended to religious people in the Quran and the New Testament? The present study is a documentary-library research that first deals with the concept of emotional intelligence in terms of Bar-On and then selects the component of social responsibility from among the fifteen components to examine it comparatively in the text of the Quran and the New Testament. The results show that both books have paid attention to this component. Divine advice is given by the Quran and the Prophet. In the New Testament also social responsibility can be observed in the speech and conduct of Jesus and Paul.


Keywords: Emotional intelligence, New Testament, Jesus, Paul, Social responsibility, Quran, Prophet Muhammad

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی مؤلفه مسئولیت اجتماعی هوش هیجانی بار – آن در قرآن و عهد جدید

ستاره طهرانی / دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
tehrani_s89@ymail.com

arastoomirani@gmail.com

ارسطو میرانی  / استادیار گروه ادیان و عرفان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

طاهره حاج/ابراهیمی / دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
thajebrahimi@yahoo.com دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ – پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

چکیده

امروزه بر اساس علم روان‌شناسی یکی از شاخص‌های انسان سالم، با هوش هیجانی پرورش یافته، داشتن تعهد و مسئولیت اجتماعی است. سؤال این است که دو دین اسلام و مسیحیت چقدر به این بخش از توانایی هوش انسان پرداخته‌اند؟ آیا رهبران دینی ادیان یادشده به‌عنوان الگوی جامعه مؤمنان خود دارای این ویژگی بوده‌اند؟ و آیا در قرآن و عهد جدید این مؤلفه از هوش هیجانی به دین‌داران تکلیف یا توصیه شده است؟ پژوهش حاضر یک مورد اسنادی – کتابخانه‌ای است که در ابتدا به مفهوم هوش هیجانی برگرفته از نظر بار – آن می‌پردازد و سپس از میان پانزده مؤلفه معرفی شده، مؤلفه مسئولیت اجتماعی را به‌صورت موردی انتخاب می‌کند تا در متن کتاب‌های قرآن و عهد جدید به‌صورت تطبیقی به بررسی آن بپردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو کتاب به این مؤلفه توجه شده است. توصیه‌های الهی در قرآن و شخص پیامبر ﷺ دیده می‌شود و در عهد جدید مسئولیت اجتماعی را در گفتار و رفتار حضرت عیسی ﷺ و پولس می‌توان مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، عهد جدید، حضرت عیسی ﷺ، پولس، مسئولیت اجتماعی، قرآن، حضرت محمد ﷺ.

هوش هیجانی به‌طور مختصر درباره‌ی توانایی شناخت و درک هیجانات در خود و دیگران و همچنین توانایی استفاده از این اطلاعات برای کنترل و هدایت افکار و اعمال خود و مدیریت رفتار و رابطه با دیگران سخن می‌گوید. امروزه تحقیقات گسترده‌ای در حوزه‌ی تأثیر مؤلفه‌های هوش هیجانی در رشد و ارتقای زندگی فردی، اجتماعی و بالاجس شغلی افراد انجام شده است؛ اما در میان این پژوهش‌ها، جای پژوهش درباره‌ی تأثیر وجود این مؤلفه‌ها در زندگی معنوی اشخاص با بررسی متون دینی خالی است. شایان ذکر است، یکی از اهداف مشترک ادیان بزرگ، معنویت‌بخشی به زندگی پیروانشان است و تحقیقات به‌عمل آمده در این ارتباط نشان می‌دهد که بهره‌مندی از هوش هیجانی یک ضرورت برای بلوغ معنوی، خودآگاهی و ارتقای هوش معنوی (SQ) است. بر اساس نظریه‌ی ویگلس ورث (Wigglesworth) رشد هوش هیجانی به رشد هوش معنوی کمک می‌کند؛ از این‌رو مؤلفه‌های هوش هیجانی با هر تعریفی از هوش معنوی در ارتباطاند؛ برای مثال، آگاهی و تنظیم حالت‌های هیجانی فرد باید در خودشناسی (Self-Understanding) و بصیرت درباره‌ی خود (Self-Insight) که دو بعد مهم از هوش معنوی هستند، حضور داشته باشند (سهرابی و نصری، ۱۳۹۵، ص ۸۱). بنابراین پژوهش حاضر به بررسی مؤلفه «مسئولیت اجتماعی» به‌صورت مفهومی در متن قرآن و عهد جدید می‌پردازد. درواقع می‌خواهیم بدانیم: آیا مؤلفه‌های هوش هیجانی همچون «مسئولیت اجتماعی»، در کتب دینی مطرح شده است؟ و اگر آری، به چه صورت است؟ همچنین توانایی مسئولیت اجتماعی در رفتار پیامبرانی چون حضرت محمد ﷺ و حضرت عیسی ﷺ به‌عنوان الگو و رهبر جامعه دینی دیده می‌شود؟ آیا توصیه‌های الهی در قرآن و همچنین توصیه‌های شخص حضرت عیسی ﷺ و رسولانش که منجر به نامه‌های متعدد شده است، این ویژگی را شامل می‌شوند؟ و درنهایت، آیا قرآن و عهد جدید هوش هیجانی و بالاجس مسئولیت اجتماعی را آموزش داده‌اند؟

در زمینه روان‌شناسی کتب مختلفی مرتبط با موضوع هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن تألیف شده است؛ اعم از کتاب‌های شخص‌بار - آن و کتاب هوش هیجانی، اثر دنیل گلمن، با ترجمه‌ی خانم پارسا که چاپ آن با اقبال عموم مواجه شده است. اما بررسی مؤلفه‌های از هوش هیجانی به‌صورت کار تطبیقی در منابع اسلامی و مسیحی، یعنی در متن کتب قرآن و عهد جدید، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. درواقع کتاب یا رساله‌ای در این حوزه نوشته نشده است. اما در میان پایان‌نامه‌ها، پژوهشی با عنوان هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن از نگاه قرآن و روایات در دانشکده علوم قرآنی میبد انجام شده است. این رساله بیان می‌کند که قرآن کریم، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات، به‌عنوان مهم‌ترین منابع علمی - اخلاقی و تربیتی اسلام، قابلیت‌ها و کارکرد هوش هیجانی را برای انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان، یادآور شده‌اند؛ سپس به تبیین جایگاه هوش هیجانی در قرآن و روایات می‌پردازد؛ اما کاستی‌هایی نیز در آن دیده می‌شود؛ از جمله ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی با آیات قرآن به‌درستی بررسی نشده و بیشتر به استنباط از روایات پرداخته شده است. پایان‌نامه دیگری با

عنوان *ملارا و قاطعیت از دیدگاه قرآن* در دانشکده تفسیر و معارف قرآن صورت گرفته است که رویکرد واژه‌شناسی و تفسیر لغات مرتبط با عنوان را دارد که با موضوع پژوهش حاضر که مفهوم‌محور و در حوزه روان‌شناسی است، متفاوت است. همچنین در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته در دین مسیحیت می‌توان به یک کتاب اشاره کرد؛ کتابی به زبان لاتین با عنوان *Biblical EQ, A Christian Handbook for Emotional Transformation*. این کتاب با وجود سه فصل، تنها اشاره‌ای کوتاه به بعضی از رفتارهای حضرت عیسی علیه السلام دارد و موضوع اصلی (الگوی رفتاری) و منبع اصلی (عهد جدید) را نادیده می‌گیرد و به ارائه تمرین برای ارتقای هوش هیجانی می‌پردازد.

۱. هوش هیجانی (Intelligence Emotional) چیست؟

هوش «توانایی یکپارچه فرد در عمل کردن عامدانه، تفکر منطقی و توانایی کنار آمدن با محیط به‌نحو مؤثر» است (برونو، ۱۳۸۴، ص ۴۹۶) و به‌عنوان سازه‌ای که تفاوت‌های فردی را موجب می‌شود در طول تاریخ همواره مورد توجه بوده است؛ به‌طوری که پژوهشگران و دانشمندان به جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسئله و تفکر پرداخته‌اند؛ این در حالی است که امروزه جنبه‌های غیرشناختی هوش، یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، اخلاقی، شخصی و اجتماعی آن هم مورد توجه قرار گرفته است و پژوهشگران از این جنبه‌ها به‌عنوان معیار پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت، سازگاری و انطباق محیط استفاده می‌کنند (Wong & Law, 2002, p. 243-274). هوش هیجانی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساسات، انگیزش و کنترل هیجانات، هم در زمینه فردی و هم در روابط اجتماعی اشاره دارد (Petrides & Furnham, 2001, p. 425-448).

«هوش هیجانی» نیز در واقع هوش عاطفی است که روان‌شناسان زیادی در طی سال‌ها برای شناخت آن تلاش کرده‌اند. با وجود تعاریف مختلف از قول اندیشمندان درباره این هوش، ملاک بررسی در این پژوهش تعریف شاخص‌های بار - آن، به‌دلیل شفافیت و جامعیت مؤلفه‌هاست. هوش هیجانی از نظر بار - آن «یک دسته از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌های غیرشناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد» (حسن‌زاده و ساداتی کیادهی، ۱۴۰۰، ص ۷). او معتقد بود که هوش هیجانی نقطه تلاقی بین شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی است که در آن، افراد از مهارت‌های توسعه‌یافته برای مدیریت مؤثر استفاده می‌کنند، بر اساس مفهوم رویکرد ترکیبی، مدل او پنج عامل مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های بین‌فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق‌وخوی عمومی را شامل می‌شود (Bar-On, 1997, p. 149-171). این پنج مؤلفه شامل پانزده عامل به شرح ذیل است:

۱. مهارت‌های درون‌فردی (Intrapersonal)، شامل خودآگاهی عاطفی، جرئت‌ورزی، عزت نفس، خودشکوفایی و استقلال؛
۲. مهارت‌های بین‌فردی (Interpersonal)، شامل ارتباطات میان‌فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و همدلی؛
۳. انطباق‌پذیری و سازگاری (Adaptability)، شامل حل مسئله، واقعیت‌سنجی و انعطاف‌پذیری؛
۴. مدیریت فشار روانی (Stress management)، شامل تحمل استرس و کنترل تکانه؛
۵. خلق‌وخوی عمومی (General mood)، شامل شادی و خوش‌بینی (سیاروچی ژوزف و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

پس از تعاریف مطرح شده از هوش هیجانی، لازم است بدانیم که «هوش معنوی» آگاهی متعالی است؛ یعنی به‌طور خلاصه این هوش عبارت است از مجموعه‌ای ظرفیت‌های ذهنی انطباقی که بر جنبه‌های غیرمادی و متعالی واقعیت استوار است. آگاهی متعالی ظرفیت تشخیص بُعد متعالی انسان در رابطه با خود، دیگران و جهان مادی است (سهرابی و ناصری، ۱۳۹۵، ص ۷۸؛ برگرفته از کینگ، ۲۰۰۸). اما آنچه حائز اهمیت است، ارتباط میان هوش هیجانی و هوش معنوی است؛ چراکه در واقع فحوای کتب دینی دربردارنده آن، چیزی است که به زندگی مخاطبان خود ارزش و معنا می‌بخشد و این بخشی از تعریف هوش معنوی است. مسئله این است که آیا با توصیه به شناخت و پرورش هوش هیجانی می‌توان افراد را به سمت هوش معنوی سوق داد؟

تحقیقات مؤسسه آگاهی‌سنجی پرودیو نشان می‌دهد هوش معنوی به رشد غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می‌کند و همچنین هوش هیجانی یاری‌دهنده فرد به یک هوش معنوی بالاست. بنابراین برای رسیدن به یک زندگی شاد و همراه با سلامتی جسمی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند (فرامرزی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

۲. مسئولیت اجتماعی (Social Responsibility)

مسئولیت یا مسئولیت‌پذیری به‌تنهایی به حس و وظیفه‌شناسی، پاسخگو بودن و تعهد اشاره دارد (Allen, 2010, p. 441). مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیانگر احساس و عملی است که افراد در چهارچوب موقعیت و نقش خود به‌طور آگاهانه و آزادانه درباره امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، دینی و... از خود بروز می‌دهند. واژه «مسئولیت» در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی به کار رفته است. ماکس وبر با مطرح کردن واژه «اخلاق مسئولیت»، زمینه ورود این واژه را به جامعه‌شناسی مطرح کرد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان مسئولیت‌پذیری را به انواع زیر تقسیم کرد: ۱. مسئولیت‌پذیری در قبال خود؛ ۲. مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران؛ ۳. مسئولیت‌پذیری درباره طبیعت و محیط زیست؛ ۴. مسئولیت‌پذیری در برابر خدا (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰). همچنین باید در نظر داشت که آنچه در این پژوهش مدنظر است، مسئولیت‌پذیری در برابر هر چهار وجه مطرح شده می‌باشد. بار - آن درباره این توانایی از هوش می‌نویسد:

این عامل به‌عنوان توانایی ما برای هم‌ذات‌پنداری با گروه‌های اجتماعی، در میان دوستان، در محل کار و اجتماع، و همکاری با دیگران به‌شيوه‌ای سازنده و کمک‌کننده تعریف می‌شود. این شامل رفتار مسئولانه است؛ حتی اگر ما شخصاً نفعی نداشته باشیم. افراد مسئول اجتماعی افرادی دارای آگاهی اجتماعی (social consciousness) و برخوردار از یک نگرانی اساسی برای دیگران در نظر گرفته می‌شوند که توانایی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های گروهی و جامعه‌محور را دارند. مسئولیت اجتماعی به‌شدت با همدلی همبستگی دارد و این نشان می‌دهد که آنها حوزه مفهومی بسیار مشابهی دارند. بر اساس مطالعاتی که این عامل را مورد بررسی قرار داده است، مشخص شد که مسئولیت اجتماعی علاوه بر آگاهی از احساسات، با شناسایی و درک احساسات نیز مرتبط است و ساختار زیربنایی آن مربوط به حساس بودن، توجه و نگرانی در مورد دیگران و احساسات آنها و همچنین نشان دادن مسئولیت می‌باشد» (Bar-On, 1996, p. 64).

چنانچه مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی با دید عمیقی مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده می‌شود که این اصول و قوانین چگونگی تعامل گروهی، احترام به خویش و دیگران، ارزش‌گذاری برای ماهیت انسان و مهم‌تر از همه تبعیت از خالق انسان‌ها را مشخص می‌سازند (Folger & Cropanzano, 2001, p. 58).

۳. مهم‌ترین آیات مؤلفه مسئولیت اجتماعی در قرآن

همان‌طور که پیش از این بیان شد، مسئولیت اجتماعی از رفتاری مسئولانه نشئت می‌گیرد؛ حتی اگر برای شخص نفعی نداشته باشد. از آنجایی که مسئولیت اجتماعی به‌شدت با مؤلفه همدلی همبستگی دارد، افراد مسئول دارای آگاهی اجتماعی‌اند و یک نگرانی اساسی برای دیگران دارند که این احساس با توانایی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های گروهی و جامعه‌محور آشکار می‌شود. آیات قرآن لبریز از توصیه‌هایی است که مسئولیت اجتماعی را به مؤمنین آموزش می‌دهد. تمام آیاتی که در آن به انفاق و پرداخت زکات سفارش شده است، آیاتی که توجه به حال یتیم را یادآوری می‌کنند و آیاتی که در آن کفاره‌ها آزاد کردن برده یا سیر کردن گرسنه اعلام شده است، مصداق بارز آموزش مسئولیت اجتماعی هستند. در ادامه به شرح این آیات می‌پردازیم.

طبق دیدگاه‌های مطرح‌شده، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیانگر احساس و عملی است که افراد در چهارچوب موقعیت و نقش خود به‌طور آگاهانه و آزادانه در حوزه‌های مختلف اجتماعی از خود بروز می‌دهند. یک مسلمان باورمند، بر اساس دستورها و توصیه‌های مکرر قرآنی به فردی مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شود؛ زیرا قرآن به کرات توجه به حال افراد نیازمند جامعه را گوشزد می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد که به حال نیازمندان بی‌توجه نباشند؛ از این‌رو این تلنگرها و این توصیه‌های بی‌درپی سبب می‌شود که آگاهی درباره مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مسلمان شکل گیرد و فرد مؤمن را به یک شخص مسئول تبدیل می‌کند.

۳-۱-۱. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قالب پرداخت کفاره

زیباترین آیاتی که مصداق بارزی از مؤلفه مسئولیت اجتماعی است، آیات مربوط به تعیین کفاره گناهان و خطاهاست؛ یعنی اگر مسلمانی حدود شرع را رعایت نکند، در ازای آن خطا، کم‌کاری یا سهل‌انگاری باید عملی را که نشان از مسئولیت او در برابر دیگر افراد جامعه است، انجام دهد.

۳-۱-۱-۱. کفاره روزه نگرفتن

روزه بر اهل ایمان واجب شده است؛ اما اگر شخصی توان یا شرایط گرفتن روزه را ندارد، باید در عوض، گرسنه‌ای را سیر کند: «بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است» (بقره: ۱۸۴). اطعام یک فقیر، جایگزین یک حکم واجب می‌شود و این یعنی مؤمن با روزه‌داری به پرورش ابعاد باطنی وجود خود می‌پردازد و اگر از توان و طاقت جسمی او خارج است، در عوض با سیر کردن یک گرسنه، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری در او تقویت می‌شود.

۲-۱-۳. کفاره سوگند خوردن به باطل به نام خدا

بر طبق آیه قرآن، برای نام مقدس خداوند باید حریم قائل شد و نباید سوگند باطل به نامش بر زبان آورد. نکته قابل ذکر این است که اگر چنین عمل خطایی انجام گرفت، کفاره آن بروز مؤلفه مسئولیت اجتماعی است:

خدا شما را به سوگندهای پیوده تان مواخذه نمی کند؛ ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می خورید [و می شکنید] شما را مواخذه می کند؛ و کفاره اش خوراک دادن به ده بیواست از غذاهای متوسطی که به کسان خود می خورانید یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بندهای؛ و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد، [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید (مائده: ۸۹).

«کفاره» یعنی مستورکننده، جبران کننده، چیزی که گناه را بپوشاند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۴۳۵)؛ و شکستن سوگندی که با نام خدا بر زبان جاری شده، دارای کفاره است. برای جبران این خطا باید یکی از سه عمل اطعام گرسنه، لباس پوشاندن به فقیر یا آزاد کردن یک اسیر انجام شود. در قبال خطایی که در آن حریم نام خداوند حفظ نشده است، فعالیتی دگرخواهانه صورت می گیرد تا همدلی و مسئولیت اجتماعی در جامعه بروز و نمود بیشتری پیدا کند.

۳-۱-۳. کفاره کشتن سهوی دیگری

کفاره کشتن دیگری به طور سهو، علاوه بر گرفتن رضایت از خانواده اش، بندهای را آزاد کردن است. «و هیچ مؤمنی را نزد که مؤمنی را - جز به اشتباه - بکشد و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد سازد و به خانواده او خون بها پرداخت کند» (نساء: ۹۲).

۴-۱-۳. کفاره انجام عمل باطل در حال احرام

برای شخصی که در خانه خدا مُحْرِم شده است، حد و مرزی تعیین می شود. یکی از این محدودیت ها، شکار نکردن است تا مؤمن با رقت قلب بیشتر در حال احرام باقی بماند و اگر این خطا صورت گرفت، کفاره آن اطعام نیازمندان است.

ای کسانی که ایمان آورده اید، درحالی که مُحْرِمید، شکار را مکشید؛ و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است، از چهارپایان کفاره ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد؛ یا به کفاره [آن]، مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد (مائده: ۹۵).

در حال احرام بودن یعنی حفظ حرمت هایی که صاحب خانه آن را می خواهد؛ و هر جا که این حریم شکسته شود، خدا می خواهد به این بهانه مسئولیت اجتماعی نمود پیدا کند و به فقیران غذا داده شود.

۵-۱-۳. کفاره برای مردانی که زنان راظهار گفته اند و قصد رجوع دارند

برای مردانی که زنان شان راظهار می کنند و سپس تصمیم می گیرند که برگردند، به سبب نقض آنچه بر زبان آورده اند (کلمه اظهار)، باید قبل از تماس کفاره بپردازند و آن این است که یک برده آزاد کنند. گرچه تعیین کفاره جنبه تربیتی و بازدارنگی دارد، اما نیت اصلی چیزی فراتر از مجازات است و آن توجه به دیگر افراد جامعه است.

و کسانی که زنانشان راظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند، پشیمان می شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند، بندهای را آزاد کنند؛ و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه بیایمی روزه بدارد؛ و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک دهد (مجادله: ۳ و ۴).

آیات کفاره این موضوع را به ما می فهماند که در نظام قرآنی، هر مسلمانی که ناخواسته خطایی انجام داد یا در انجام تکالیف دینی اش کاستی صورت گرفت و حریمها را شکست، باید برای افراد جامعه - آنان که نیازمند کمک هستند - قدمی بردارد و برای بهتر شدن حالشان کاری انجام دهد.

۳-۲. مسئولیت پذیری اجتماعی در قالب پرداخت توصیه به زکات، انفاق و صدقه

نکته قابل ذکر اینجاست که این تکلیف الهی (مسئولیت پذیری اجتماعی)، نه تنها برای تنبیه مسلمان خطاکار به کار رفته، بلکه برای تشویق مؤمنانی هم که شوق تقرب به خدا دارند نیز بیان شده است. در واقع می توان گفت، تمام آیاتی که در آن به بخشش مال در قالب زکات و صدقه و انفاق توصیه شده است (ر.ک: بقره: ۲۵۴، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۷۰-۲۷۴؛ انفال: ۳، آل عمران: ۹۲ و ۱۳۴؛ سبأ: ۳۹)، نمونه های بارزی از مصداق مؤلفه های همدلی و بروز مسئولیت اجتماعی اند. «انان که زکات می پردازند» (مؤمنون: ۴)، دارای یکی از صفات مؤمنین محبوب خدایند؛ چون علاوه بر اینکه در قرآن مکرراً در کنار اقامه نماز به پرداختن زکات به عنوان یک دستور دینی تأکید شده (نور: ۵۶)، از آن به عنوان عمل مورد پسند خداوند نیز یاد شده است؛ چنان که در این باره می خوانیم: «مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند» (توبه: ۷۱). از سوی دیگر، یکی از صفات مشرکان، زکات ندادن اعلام شده است (فصلت: ۷) و بنا به تفسیر، مراد از دادن زکات در این آیه، مطلق انفاق مال در راه خدا به فقرا و مساکین است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۴۸). باید خاطر نشان کنیم که در فرهنگ قرآن بی اعتنایی به پاره ای از دستورهای الهی به منزله کفر و شرک است و حکم زکات آن قدر با اهمیت است که نپرداختن آن و بی اعتنایی به فقرا، انسان را بین شرک و کفر قرار می دهد و برای او پرخطر است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۱۴). بخشش اموال به افراد نیازمند جامعه به نام زکات یا در قالب انفاق، تحقق مسئولیت اجتماعی است که در قرآن به کرات و با ادبیات های مختلف - به صورت تکلیفی، تشویقی یا توییحی در صورت عدم انجام آن - بیان شده است (ر.ک: آیات زکات، همچون: بقره: ۸۳؛ نور: ۵۶؛ نمل: ۳؛ لقمان: ۴؛ مجادله: ۱۳).

در قرآن بخشش اموال به نفع افراد نیازمند جامعه تنها با نام انفاق و زکات تمام نمی شود. قرآن در آیات متعددی اقشار محروم جامعه را نام می برد و مؤمنان را مکلف می کند که در میان اعمال عبادی خود، در قبال آنها احساس مسئولیت کنند و بی توجه از کنار آنها نگذرند (ر.ک: انعام: ۱۴۱؛ نور: ۲۲؛ روم: ۳۸؛ ذاریات: ۱۹؛ حج: ۳۶؛ نحل: ۹۰). یتیمان، در راه ماندگان، بیویان، تنگدستان و گرسنگان در قرآن دارای حق اند و حقوق آنها از طرف مؤمنان باید تأمین شود. «و حق خویشاوندان را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن» (اسراء: ۲۶). تعبیر «حق»

در آیه‌های مورد اشاره بیانگر آن است که گروه‌های نام‌برده در اموال مؤمنان شریک‌اند و از آن حق دارند؛ پس اگر چیزی به آنان دادید، حق آنان را می‌پردازید و منتی بر آنان ندارید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۶۱).

گاهی این توجه به محرومان و تکلیف الهی با واژه «صدقه» تعریف و بدان توصیه می‌شود: «صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به‌دست‌آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به درراه‌مانده اختصاص دارد» (توبه: ۶۰).

۳-۳. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر

موضوع دیگری که در قرآن به کرات به آن اشاره شده و مصداق مؤلفه مسئولیت اجتماعی است، مبحث امر به معروف و نهی از منکر است. رسیدن به این نکته که مسئولیت اجتماعی یکی از مصادیق معروف و نبود آن یک منکر است، کمک مهمی به تحقق مسئولیت اجتماعی خواهد کرد؛ چراکه در واقع - همان‌طور که ذکر کردیم - مسئولیت اجتماعی یک رفتار مسئولانه است که از یک نگرانی اساسی برای دیگران نشئت می‌گیرد و این احساس با توانایی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های گروهی و جامعه‌محور آشکار می‌شود.

قرآن بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند تا با ایجاد احساس مسئولیت در میان مسلمانان در خصوص این امر، پایبندی به این توصیه دینی شکل گیرد و در نتیجه ایمان در جامعه تداوم یابد و ریشه‌های آن سست نشود. قرآن می‌فرماید: «باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند» (آل عمران: ۱۰۴). آیاتی که در آن یکی از صفات مورد پسند مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده یا به‌طور مستقیم به آن توصیه شده است، بسیارند (ر.ک: آل عمران: ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۱۴؛ توبه: ۷۱ و ۱۱۲؛ حج: ۴۰ و ۴۱؛ نساء: ۱۴۲؛ لقمان: ۱۷؛ عنکبوت: ۴۵)؛ اما خداوند در سوره نحل با بیان یک مثال می‌خواهد ارزش مؤثر بودن در جامعه و عامل خیر بودن برای دیگران را به‌وضوح ترسیم کند:

خدا مثلی می‌زند: بنده‌ای است زر خرید که هیچ کاری از او بر نمی‌آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند، یکسان است؟ سپاس خدای راست. [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند. خدا مثلی [دیگر] می‌زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سریار خداوندگارش است. هر جا که او را می‌فرستند، خیری به‌همراه نمی‌آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است، یکسان است؟ (نحل: ۷۵ و ۷۶).

در این دو مثل، دو حالت ویژه از انسان ارائه می‌شود که درست در طرف مقابل یکدیگرند و با توصیفی که در این آیات آمده، دو تابلوی ارزنده از این دو حالت انسان ترسیم می‌شود: انسانی در نهایت پستی و بی‌شخصیتی، که وجود او هیچ سودی برای جامعه ندارد و او فقط مصرف‌کننده و سربار جامعه است؛ و انسان دیگری در اوج عظمت و شخصیت که جامعه از او سود می‌برد و او مردم را به‌سوی ارزش‌ها و عدالت می‌خواند و در عین حال خود بر راه راست گام برمی‌دارد و سخن و عملش یکی است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۸۱).

درواقع ترسیم این دو شخصیت بیانگر تأثیرگذاری در جامعه بر اساس توانایی افراد و به نحو مثبت است. آن کس که رزق فراوان دارد، با بخشش از اموال خود به نفع افراد نیازمند، و آن کس که زبان گویا و فصیح دارد، با دعوت مردم به عدل و نیکی می‌توانند نقش مفید و مؤثری در جامعه داشته باشند و در نظر خداوند، افرادی با چنین ویژگی‌هایی با افراد خستی و بی‌مسئولیت یکسان نیستند و بیان این گونه مثال‌ها نوعی الگوسازی است که در مسائل تربیتی نقش مهم دارد.

۳-۴. بی‌توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قالب ترسیم عاقبت ناخوشایند

در فرهنگ قرآنی برای کسانی که به این توصیه‌های الهی برای تحقق مسئولیت اجتماعی عمل نمی‌کردند، عاقبت خوبی در دنیا و آخرت ترسیم نشده است: «و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد» (حاقه: ۳۴). این آیه و آیه قبل از آن توصیف حال کسانی است که در آخرت به عقوبت دچار شده‌اند. شرح خطاهای ایشان در دنیا چنین است که نخست در آیه قبل گفته شده است: به خدا ایمان نیاوردند؛ و بلافاصله در آیه بعد بی‌توجهی آنها به مسکینان گوشزد می‌شود. در نتیجه از این دو آیه به خوبی می‌توان فهمید که «عمده اطاعات و عبادات و دستورات شرع را می‌توان در رابطه با خلق و خالق خلاصه کرد و عطف اطعام مسکین بر ایمان، اشاره به اهمیت فوق‌العاده این عمل بزرگ است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۶۹).

آیات عقبه در سوره بلد نیز به گردنۀ صعب‌العبوری اشاره می‌کند که راه نجات انسان هاست. مسیری که گذر از آن برای اکثر افراد جامعه سخت و سنگین است، حول محور مسئولیت اجتماعی می‌چرخد. درواقع «این گردنۀ صعب‌العبور، که انسان‌های ناسپاس هرگز خود را برای گذشتن از آن آماده نکرده‌اند، مجموعه‌ای از اعمال خیر که عمدتاً بر محور خدمت به خلق و کمک به ضعیفان و ناتوان‌ها دور می‌زند، است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۰۴). این برای آن است که یک مؤمن معتقد به قرآن با توجه کردن به افراد نیازمند جامعه مورد توجه خدا قرار گیرد و در مسیر سعادت گام بردارد: «[ولی] نخواست از گردنۀ [عاقبت‌نگری] بالا رود! تو چه دانی که آن گردنۀ [سخت] چیست؟ بنده‌ای را آزاد کردن یا در روز گرسنگی طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا بینوایی خاک‌نشین» (بلد: ۱۷-۱۱).

توجه به یتیم همواره مورد تأکید قرآن است؛ تا افراد باایمان در قبال این قشر آسیب‌پذیر بی‌توجه نباشند؛ چنان‌که می‌فرماید: «اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌کند، می‌گوید: "پروردگرم مرا خوار کرده است!" ولی نه، بلکه یتیم را نمی‌نوازد» (فجر: ۱۷-۱۶).

آیا کسی را که [روز] جز را دروغ می‌خواند، دیدی؟ این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند» (معاون: ۳-۱). قرآن می‌گوید: اعمالی که موجب دوری از خدا و گرفتاری در چنگال مجازات الهی می‌شود، چنین است که شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید. قابل توجه اینکه در مورد یتیمان از اطعام سخن نمی‌گوید؛ بلکه از اکرام سخن می‌گوید؛ چراکه در مورد یتیم تنها مسئله گرسنگی مطرح نیست؛ بلکه از آن مهم‌تر، جبران کمبودهای عاطفی اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۹۳).

خدا در قرآن می‌داند که انسان بخیل است؛ از همین رو می‌فرماید: «بگو اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگرم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید؛ و انسان همواره بخیل است» (اسراء: ۱۰۰)؛ با وجود این، خداوند می‌خواهد

انسان‌های وارسته‌ای تربیت کند که دل در گرو دنیا نداشته باشند و از رزق و روزی خود به نفع دیگر افراد جامعه و به اندازه بگذرند: «و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی مکن» (اسراء: ۲۹). خداوند بخل‌ورزی را نمی‌پسندد و عاقبت خوبی برای این صفت اخلاقی ترسیم نمی‌کند: «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده است بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است؛ بلکه برایشان بد است» (آل عمران: ۱۸۰).

۳-۵. تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ترسیم پاداش الهی

قرآن می‌خواهد با بخشش، علاوه بر ایجاد همدلی بین افراد جامعه و توسعه روابط بین فردی مطلوب، مؤلفه مسئولیت اجتماعی نیز محقق شود و در این زمینه پاداشی را برای مخاطبان در نظر می‌گیرد تا شوق انجام آن در مؤمنان ایجاد شود و این عمل نیک را معامله با خدا توصیف می‌کند و می‌فرماید: «کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان کند و او را پاداشی خوش باشد؟» (حدید: ۱۱).

اینکه در این آیه اتفاق در راه خدا به منزله قرض دادن به خدا معرفی شده است، شاید اشاره به این باشد که «گمان نشود مالی که در راه خدا اتفاق می‌شود، هدر رفته است و عوض ندارد؛ بلکه خداوند از لطف خویش اتفاق در راه خدا را قرض حساب می‌کند، که شخص متفق به خدا قرض می‌دهد» (امین، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۲۹) و ما می‌دانیم که در فرهنگ قرآنی «ادای قرض، حتمی و واجب است. "یضاعفه" حکایت از چند برابر دارد و "لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ" برای قطعیت کامل پاداش است. اجر کریم پاداش خوشایند و بهشت برین می‌باشد. اجر و اجرت پاداشی است که از عمل عاید می‌شود، در دنیا یا در آخرت» (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۱۸). خداوند می‌خواهد با وعده پاداش در دنیا و آخرت برای یک مؤمن بخشنده، انسان تأثیرگذاری پرورش یابد که با نیکی کردن به دیگران، آخرت خود را بسازد و از دنیا نیز بهره‌مند شود.

«و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن؛ و چنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن» (قصص: ۷۷). اما سؤال این است که هدف از این همه توصیه به زکات و انفاق چیست و چرا در قرآن مؤلفه مسئولیت اجتماعی به این اندازه پررنگ و بااهمیت است؟ برای یافتن پاسخ باید به خود آیات قرآن رجوع کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است؛ و [الی] کسانی که فزونی یافته‌اند، روزی خود را به بندگان خود نمی‌دهند تا در آن باهم مساوی باشند» (نحل: ۷۱؛ همچنین بنگرید به موضوع آیه ۷ سوره حشر). رزق عبارت از هرگونه بهره هستی، و مزیتی است که سبب فضیلت و برتری شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۹۰). تفاوت مردم در رزق، یکی از برنامه‌های حکیمانه الهی است؛ زیرا اگر همه مردم یکسان و یکنواخت بهره می‌بردند، کمالات معنوی آنان ظاهر نمی‌شد؛ مثلاً سخاوت، صبر، ایثار، حمایت، شفقت، تواضع و امثال آن، زمانی معنا می‌یابند که تفاوت‌هایی در میان انسان‌ها باشد. نکته اینجاست که امکان انتقال بعضی نعمت‌ها به دیگران نیست؛ مثلاً چگونه می‌توان زیبایی چهره، صوت، عقل، نبوغ، محبوبیت یا نفوذ کلام را به دیگران منتقل کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۵۰). بنابراین آیات یادشده انتقادی به انسان‌های بخیل است تا به این وسیله اعلام شود که اسلام می‌خواهد

نظام اجتماع از طبقات متناسب شکل بگیرد تا در چگونگی بهره‌مندی از منافع مادی زندگی و اساس آن، همه به‌طور یکسان برخوردار باشند و ثروت در میان یک طبقه از افراد جامعه باقی نماند.

۳-۶. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شخصیت‌های قرآنی

تاکنون مسئولیت اجتماعی را در توصیه‌های الهی بررسی و بیان کردیم؛ اما این مؤلفه در شخصیت‌های قرآنی به این صورت است که حضرت محمد ﷺ چنان در خصوص امر هدایت مردم احساس مسئولیت می‌کردند که از گمراهی مردم به شدت ناراحت می‌شدند؛ تا آنجا که خداوند در قرآن برای بیان شدت این احساس، واژه «حریص» را به کار می‌برد و می‌فرماید: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید؛ به [هدایت] شما حریص و برای مؤمنان، دلسوز مهربان است» (توبه: ۱۲۸). عبارت «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» رفتار مسئولانه حضرت محمد ﷺ را در برابر آنچه برایش تکلیف شده است، به‌زیبایی بیان می‌کند. مفسران این اصطلاح در قرآن را چنین تعبیر کرده‌اند که «او سخت به هدایت شما علاقه‌مند است و به آن عشق می‌ورزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۶۷)؛ «با کمال جدیت و سرعت شما را هدایت فرمود» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۶ ص ۳۳۹)؛ «در هدایت و ارشاد مردم سر از پا نمی‌شناسد» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۲۹). تمامی این تعابیر، بیانگر توانایی رسول خدا ﷺ در هم‌ذات‌پنداری به‌شیوه‌ای سازنده و کمک‌کننده برای مردم است؛ آنچه دقیقاً بار - آن به‌عنوان مؤلفه مسئولیت اجتماعی برای آن تعریف می‌کند.

خداوند همچنین پیامبر خود حضرت عیسی ﷺ را در قرآن این‌گونه معرفی می‌کند: «و هر جا که باشم، مرا بابرکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است» (مریم: ۳۱). معنای «مبارک بودن ایشان در هر جا که باشد»، این است که محل برای هر برکتی است و برکت به‌معنای نمو خیر است؛ یعنی او برای مردم منافع بسیار دارد؛ علم نافع به آنها می‌آموزد و آنان را به عمل صالح دعوت می‌کند. جمله «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ...» اشاره به این است که در شریعت او نماز و زکات تشریح شده است؛ و نماز عبارت است از توجه و بندگی مخصوص به‌سوی خدای سبحان؛ و زکات عبارت است از انفاق مالی (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۶۲)؛ که با این عبارت، از ویژگی‌های شخصیتی حضرت عیسی ﷺ تعریف شده است و این ویژگی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری آن حضرت در برابر مردم جامعه است.

بی‌شک پیامبران و اولیای منتخب خداوند دارای ویژگی‌های اخلاقی‌ای بودند که شایسته جایگاه رسالت و هدایت مردم قرار گرفته‌اند؛ ولی در قرآن به رفتار آنها به‌صورت موردی و با جزئیات اشاره نشده است و به‌ندرت می‌توان آیاتی را در قرآن یافت که به این مسائل در زمینه خصوصیات رفتاری ایشان پرداخته شده باشد؛ مثلاً در وصف شخصیت حضرت اسماعیل ﷺ آمده است: «خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد» (مریم: ۵۵). تعهد آن حضرت به پرداخت زکات و اینکه دیگران را نیز به انجام این کار تشویق می‌فرمود، به‌نوعی مسئولیت‌پذیری ایشان در برابر دیگر افراد جامعه را بیان می‌کند، که در واقع مسئولیت اجتماعی ایشان شمرده می‌شود.

۴. مؤلفهٔ مسئولیت اجتماعی در توصیه‌های عهد جدید

دربارهٔ جایگاه، اعتبار و مرجعیت کتاب مقدس، از جمله عهد جدید، باید گفت: ایمان مسیحیان به صدق، صحت، قداست، اعتبار و الهی بودن آن، عیناً مانند ایمان مسلمانان به صدق، صحت، قداست، اعتبار و الهی بودن قرآن کریم است و هیچ فرق و تفاوتی در این اعتقاد یافت نمی‌شود (توفیقی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳). آنان کتاب مقدس را «کلام خدا و تنها معیار واقعی ایمان و عمل مسیحی» می‌دانند (دایرةالمعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۵۳) و ادعایشان این است که این کتاب بدون تناقض است (دایرةالمعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۳۷) و از طرفی یکی از آموزه‌های کلیدی مسیحیت این است که می‌گویند: استاد و الگوی ما (مسیحیان)، عیسی مسیح ﷺ است و ما باید مطابق تصویر او بوده، از همه جهات شبیه او باشیم (Edmiston, 2001, p. 14). آنان برای این باور خود، به آیات «رومیان، ۸: ۲۹» و «افسیسیان، ۴: ۱۵» استناد می‌کنند. دکتر لیتزل در کتابش می‌نویسد:

کتاب مقدس می‌تواند، هم ابزار ارزیابی و هم یک برنامهٔ توسعه باشد که در آن، افراد می‌توانند افکار، اعمال و رفتارهای خود را با تأمل در کلام خدا ارزیابی کنند (دوم تیموتائوس، ۳: ۱۶-۱۷) و افکار خود را تجدید کنند و می‌توانند «...ارادهٔ نیک، پسندیده و کامل» خدا (رومیان، ۱۲: ۲) را تشخیص دهند (Littrell, 2022, p. 16).

از این رو می‌خواهیم بدانیم که در این متون، حضرت عیسی ﷺ و حواریانش به‌عنوان شخصیت‌های اصلی و الگوی جامعهٔ مسیحیان، چگونه رفتار می‌کردند و آیا رفتار مسئولانه داشته‌اند؟ در این پژوهش، مسئولیت اجتماعی را در واکنش افراد نام‌برده و در توصیه‌های عهد جدید بررسی می‌کنیم.

عهد جدید به‌وضوح از مسئولیت اجتماعی، که توانایی بر عهده گرفتن مسئولیت است، یاد می‌کند و اندازهٔ آن را به‌تناسب موقعیتی می‌داند که فرد در آن قرار دارد:

برحسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم. اگر عطای کسی نبوت است، آن را متناسب با ایمانش به‌کار بگرد؛ اگر خدمت است، خدمت کند؛ اگر تعلیم است، تعلیم دهد؛ اگر تشویق است، تشویق نماید؛ اگر کمک به نیازمندان است، با سخاوت چنین کند؛ اگر رهبری است، این کار را با جدیت انجام دهد؛ اگر رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به این کار مشغول باشد (رومیان، ۱۲: ۸-۶).

کلمهٔ فیض در این آیه به‌معنای آن قابلیت و استعداد خاصی است که خدا عطا می‌فرماید (Hale & Thorson, 2001, p. 740) و تأکید بر هر یک از این فهرست‌ها به این دلیل نیست که ایمان‌داران عطایای خود را به‌طور کامل تشخیص دهند؛ بلکه برای این است که قابلیت منحصر به فردی را که خدا به آنها عطا کرده است، با امانت و وفاداری به‌کار برند (MacArthur, 2007, p. 598)؛ چراکه تأکید عهد جدید، برای داشتن عطیه - که همان روح تلقی شده است - رساندن نفع به دیگری است؛ آنجا که می‌خوانیم: «ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود» (قرنتیان اول: ۱۲-۷). درواقع:

روح‌القدس با انتقال عطایا به شخص، در زندگی او متجلی می‌شود. ایمان‌داری نیست که وظیفه‌ای برای عمل کردن به آن نداشته باشد و عطایا به‌جهت منفعت تمام بدن عطا می‌شود. عطایا برای مطرح ساختن خود و یا حتی ارضای خواسته‌های شخصی عطا نمی‌شود؛ بلکه برای کمک کردن به دیگران است. این موضوع، محور تمام بحث است (MacDonald, 1995).

عطیه و خدمت و عمل، هرچه باشد، همه عطایای روحانی از روح القدس سرچشمه می‌گیرند. کسانی که صاحب عطیه هستند، با آن عطایا به‌لحاظ روحانی به دیگران خدمت می‌کنند و برای آنها مفید واقع می‌شوند (MacArthur, 2007, p. 657-658).

همان‌طور که بیان کردیم، مسئولیت اجتماعی از رفتاری مسئولانه نشئت می‌گیرد؛ حتی اگر برای شخص نفعی نداشته باشد. افراد مسئول دارای آگاهی اجتماعی‌اند و یک نگرانی اساسی برای دیگران دارند که این احساس با توانایی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های گروهی و جامعه‌محور آشکار می‌شود. لذا این آیات توصیه‌ای در عهد جدید، مصداق بارزی از به‌عهده گرفتن مسئولیت اجتماعی است: «ما که قوی هستیم، باید ناتوانی‌های ضعیفان را متحمل شویم و در پی خشنودی خویش نباشیم» (رومان، ۱۵: ۱). واژه «متحمل» به‌معنای برداشتن و حمل بار است. این واژه در حالت مجازی در معنای عهده‌دار بودن تعهد و وظیفه به‌کار می‌رود. ایمان‌داران قوی قرار نیست که فقط ضعف ایمان‌داران ضعیف‌تر را تحمل کنند؛ ایشان باید به آنها محبت نمایند؛ ملاحظه‌حالشان را بکنند و بدین ترتیب ایمان‌داران ضعیف را در حمل باری که بر دوش دارند، یاری رسانند (MacArthur, 2007, p. 608).

مسئولیت اجتماعی تنها با عمل کردن همراه نیست؛ گاهی نفع رساندن به دیگری می‌تواند با کلام نیز متجلی شود؛ چنان‌که در این زمینه آیه‌ای در عهد جدید بیان شده است که می‌گوید: «دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود؛ بلکه گفتارشان به‌تمامی برای بنای دیگران به‌کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند» (افسیان، ۴: ۲۹). درواقع این آیه به این موضوع اشاره دارد که:

آنچه می‌گوییم، با این مبنا بستنیم که آیا سخنان امروز ما باعث فیض و بنای دیگران بوده است یا اینکه کسی را تضعیف و تخریب کرده‌ایم؟ آیا دیگران از دهان ما فیض و استفاده برده‌اند یا نه؟ اگر نمی‌توانیم دیگران را فیض برسانیم، باید دهان خود را ببندیم و سکوت کنیم! (Hale & Thorson, 2001, p. 994).

عهد جدید از مسیحیان می‌خواهد که از هر فرصتی برای کمک به دیگران استفاده کنند؛ لذا به آنان توصیه می‌کند: «هیچ‌یک از شما تنها به فکر خود نباشد؛ بلکه به دیگران نیز ببیند» (فیلیپیان، ۲: ۴) و این توصیه به توجه به دیگری، برای نزدیکان خود چنان پرنگ تأکید می‌شود که «اگر یک فرد مسیحی از خویشان و اهل خانواده خود نگاه‌داری و مراقبت نکند، منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان است» (Hale & Thorson, 2001, p. 1100)؛ لذا در رساله تیموتائوس از عهد جدید می‌خوانیم: «اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و به‌خصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان» (تیموتائوس اول، ۵: ۸).

«مسئولیت اجتماعی» به‌عنوان یک مؤلفه از هوش هیجانی را می‌توان به‌خوبی در این آیه از رساله غلاطیان مشاهده کرد: «بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که این‌گونه شریعت مسیح را به‌جا خواهید آورد» (غلاطیان، ۶: ۲). بارهای سنگین، نمودار دشواری‌ها یا مشکلاتی است که انسان‌ها را در رویارویی با آنها آشفته و ناراحت می‌کند. «متحمل شدن» حاکی از آن است که با صبر و شکیبایی چیزی را بر دوش بگیریم (MacArthur, 2007, P. 768). این توصیه، یعنی همان تعهد و داشتن حس مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران.

آیاتی که بیان شده مصداق عینی کمک کردن از نوع عمل و کلام به دیگران است و علاوه بر این سفارش‌ها، در رساله‌های عهد جدید به آیاتی برمی‌خوریم که در آنها بخشش اموال به نیازمندان نیز توصیه شده است: «چنانچه نوشته شده، با گشاده‌دستی به نیازمندان بخشیده، نیکوکاری‌اش جاودانه پاینده است» (قرنتیان دوم، ۹: ۹). در این آیه از عهد جدید، بخشش به فقرا که مصداق مسئولیت اجتماعی است، سفارش شده و نتیجه انجام این عمل نیکو، پیامدی است که تا ابد باقی می‌ماند.

یک مسیحی، عمل کمک به دیگران و توجه به نیازمندان را نباید به دلیل حکم تکلیف یا دستور دینی و به‌اجبار انجام دهد؛ بلکه باید با رضایت خاطر خودش خواهان کمک باشد. از این‌رو در عهد جدید می‌خوانیم: «هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است؛ نه با اکراه و اجبار؛ زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد» (قرنتیان دوم، ۹: ۷). عبارتی که در اینجا «اراده کردن» ترجمه شده، فقط در این آیه از عهد جدید به کار رفته و بیانگر عملی است که از پیش درباره آن فکر و برای آن برنامه‌ریزی شده است و کاملاً داوطلبانه انجام می‌شود، نه اینکه در یک لحظه به انجام دادن آن تصمیم گرفته شده باشد. این یکی از اصول دیرینه هدیه دادن بر مبنای کتاب مقدس است (MacArthur, 2007, P. 720). عهد جدید درباره انجام هر کار خیری در حق دیگران چنین تأکید می‌کند که «هر کاری را از جان و دل چنان انجام دهید که گویی برای خدا کار می‌کنید، نه برای انسان» (کولسیان، ۳: ۲۳).

«رساله یعقوب» در عهد جدید مجموعه‌ای از تعالیم عملی خطاب به مسیحیان یهودی‌نژاد است که در سرزمین‌های اطراف فلسطین پراکنده شده‌اند. در این رساله، نویسنده معتقد است که ایمان باید همراه با عمل باشد و آن را چنین توصیف می‌کند: «همان‌گونه که بدن بدون روح مرده است، ایمان نیز بدون عمل مرده است» (یعقوب، ۲: ۲۶). این رساله، عمل یک فرد دین‌دار را دقیقاً مصداق مسئولیت اجتماعی و توجه به نیاز دیگری بیان می‌کند و می‌گوید: «دین‌داری پاک و بی‌لکه در نظر پدر ما، خدا، آن است که یتیمان و بیوه‌زنان را به‌وقت مصیبت دستگیری کنیم و خود را از آلائش این دنیا دور بداریم» (یعقوب، ۱: ۲۷). رساله یعقوب در توصیف ایمانی خالص و بی‌نقص، این دو صفت هم‌معنا را به کار می‌برد. ابراز محبت دلسوزانه یکی از مشخصه‌های این ایمان است (MacArthur, 2007, P. 1038) و این محبت که توجه به یتیمان و بیوه‌زنان در هنگام گرفتاری است، از نوع مسئولیت‌پذیری است که در کنار دوری از آلائش این دنیا، ملاک پرستش مقبول در نزد خداوند قرار گرفته است.

نویسنده رساله قرنتیان مسئولیت اجتماعی راه هم‌به‌خوبی بیان می‌کند و هم خودش انجام می‌دهد؛ زیرا می‌گوید: «من نیز می‌کوشم تا همه را به هر نحو که می‌توانم خشنود سازم؛ زیرا در پی نفع خود نیستم؛ بلکه نفع بسیاری را می‌جویم تا نجات یابند» (قرنتیان اول، ۱۰: ۳۳). در تفسیر این آیه آمده است که پولس رسول داوطلبانه از حق خود برای دریافت حمایت مالی گذشت و بدین ترتیب خود را غلام کرد تا به‌تنهایی هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند. او چنین کرد تا احتمال هر غرضی را از میان بردارد و شمار بیشتری را به‌سوی عیسی مسیح هدایت کند (MacArthur, 2007, P. 649). در واقع او در پی خشنود ساختن دیگران برای کسب نفع شخصی نیست؛ در عوض، او درصدد آن است که با خوش ساختن

دیگران، ایشان را از نظر روحانی منفعت برساند (Hale & Thorson, 2001, p. 828) و بیان کردیم که رفتار مسئولانه یعنی رساندن منفعت به دیگران؛ حتی اگر ما شخصاً نفعی نداشته باشیم.

۵. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شخصیت حضرت عیسیؑ در عهد جدید

حضرت عیسیؑ به‌عنوان رهبر جامعه دینی، مسئولیت اجتماعی را در کمک به فقرا و نیازمندان می‌داند. ایشان در این باره در یک مهمانی به میزبان چنین توصیه می‌کند:

چون ضیافت ناهار یا شام می‌دهی، دوستان و برادران و خویشان و همسایگان ثروتمند خویش را دعوت مکن؛ زیرا آنان نیز تو را دعوت خواهند کرد و بدین‌سان عوض خواهی یافت. پس چون مهمانی می‌دهی، فقیران و معلولان و لنگان و کوران را دعوت کن. مبارک خواهی بود؛ زیرا آنان را چیزی نیست که در عوض به تو بدهند و پاداش خود را در قیامت پارسایان خواهی یافت (لوقا، ۱۴: ۱۲-۱۴).

منظور حضرت عیسیؑ در اینجا این بود که با دعوت از دوستان و خویشاوندان نمی‌توان ادعا کرد که عملی روحانی انجام داده‌ایم و مهرورزی و احسان کرده‌ایم (MacArthur, 2007, P. 301). آن حضرت همان‌گونه که به دیگران توصیه می‌کرد، خود نیز به حال گرسنگان، مریضان و نیازمندان جامعه بی‌توجه نبود و در جایگاه پیامبری همواره به آنها توجه می‌کرد؛ چنان که در انجیل متی می‌خوانیم:

عیسی شاگردان خود را فراخواند و گفت: دلم بر حال این مردم می‌سوزد؛ زیرا اکنون سه روز است که با من‌اند و چیزی برای خوردن ندارند. نمی‌خواهم ایشان را گرسنه روانه کنم؛ بسا که در راه از پا درافتند. شاگردانش گفتند: در این بیابان از کجا می‌توانیم نان کافی برای سیر کردن چنین جمعیتی فراهم آوریم؟ پرسید: چند نان دارید؟ گفتند: هفت نان و چند ماهی کوچک. عیسی به مردم فرمود تا بر زمین بنشینند. آن‌گاه هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری، آنها را پاره کرده، به شاگردان خود داد و ایشان نیز به آن جماعت دادند (متی، ۱۵: ۳۲-۳۶).

این آیات در ظاهر بیانگر اعجاز اوست؛ ولی در باطن نشان‌دهنده حس همدلی و توانایی مسئولیت‌پذیری او درقبال مردم نیازمند جامعه است که مشابه این‌گونه اقداماتش چندین بار در انجیل مطرح شده است (ر.ک: متی، ۱۴: ۱۳-۲۱). همچنین توجه آن حضرت به بیماران و آنانی که محتاج دست شفابخش او بودند، در قالب اعجاز پیامبری او تعریف می‌شود؛ اما او مسئول بود تا به علیان، دیوزدگان و مریضان در هر زمان کمک کند؛ حتی در روز شبات، که برخلاف عرف جامعه آن زمان نباید کاری انجام داد. حضرت عیسیؑ بر اساس رسالت خود مسئولیتی را پذیرفته بود و به آن عمل می‌کرد؛ چنان که می‌خوانیم، در پاسخ به خشم رئیس کنیسه از اقدام او در روز شنبه این‌گونه می‌گوید: «آیا نمی‌بایست این زن را که دختر ابراهیم است و شیطان هجده سال اسیرش کرده، در روز شبات از این بند رها کرد؟ چون این را گفت، مخالفانش همه شرمسار شدند» (بخشی از آیات لوقا، ۱۳: ص ۱۵-۱۷).

حضرت عیسیؑ معتقد است: «هر که مسئولیتش بیشتر باشد، پاسخگویی‌اش نیز بیشتر خواهد بود» (لوقا، ۱۲: ۴۸).

استنباط مسیحیان از این آیه بر اساس تفاسیرشان چنین است که می‌گویند:

آنانی که از روح القدس بیشتر پر هستند، باید نسبت به کسانی که کمتر پر هستند، زندگی خداپسندانه تری داشته باشند. مسیحیان بالغ باید بهتر از مسیحیان نوایمان و نابالغ زندگی کنند. آنچه که برای یک نوایمان گناه کوچکی به شمار می‌رود، برای مسیحی قدیمی تر ممکن است گناه بزرگی به حساب آید. کسانی که مسئولیت دریافت کرده‌اند، با جدیت بیشتری داوری خواهند شد تا آنانی که مسئولیتی نداشته‌اند. به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد؛ و نزد هر که امانت بیشتر نهند، از او بازخواست زیادتر خواهند کرد (Hale & Thorson, 2001, p. 389).

جمله طلایی حضرت عیسی علیه السلام در تعریف شریعت، مهم‌ترین حکم و آیه عهد جدید است. در این آیه، مؤلفه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی و حتی مؤلفه همدلی آموزش داده می‌شود. داستان بیان این جمله از این قرار است:

چون فریسیان شنیدند که عیسی چگونه با جواب خود دهان صدوقیان را بسته است، گرد هم آمدند. یکی از آنها که فقیه بود، با این قصد که عیسی را به دام اندازد، از او پرسید: ای استاد، بزرگ‌ترین حکم در شریعت کدام است؟ عیسی پاسخ داد: خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگ‌ترین حکم است. دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما. تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است (متی، ۲۲: ۳۴-۴۰).

این آیه به ما می‌گوید:

زندگی شخصی ابتدا به رابطه انسان با خدا مربوط می‌شود و سپس به رابطه او با دیگران. چیزهای مادی ذکر نشده‌اند. خدا مهم است و انسان‌ها نیز اهمیت دارند (MacDonald, 1995).

و اما چگونه باید همسایه خود را دوست بداریم؟ همچون نفس خود. هرچه که برای خود می‌خواهیم، باید برای همسایه خود نیز بخواهیم. عیسی نگفت که خود و همسایه‌ات را به‌طور متساوی دوست بدار. او گفت: همسایه خود را آن‌طور محبت کن که گویی خودت را محبت می‌کنی. انسان دنیوی به‌طور طبیعی خود را بیش از همه دوست دارد. همسایه خود را نیز باید همین‌طور دوست بداریم؛ یعنی بالاتر از همه چیز، بعد از خدا (Hale & Thorson, 2001, p. 326).

درواقع «توجه به همسایه و دیگری» در مؤلفه روابط بین فردی هوش هیجانی می‌گنجد؛ اما وقتی این توجه با واژه «محبت کردن به اندازه خویشتن» تعبیر می‌شود، مصداق مسئولیت‌پذیری نیز می‌گردد؛ چون لزوماً با احترام به دیگری، هم‌ذات‌پنداری، همدلی و احساس مسئولیت همراه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

امروزه محققان با استناد به مطالعات و تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که پرورش هوش هیجانی در رشد شخصیت افراد تأثیر بسزایی دارد و بار - آن با تعیین پانزده مؤلفه به شناخت بیشتر و کامل‌تر هوش هیجانی کمک کرده است. از طرفی، با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته، بین هوش معنوی و هوش هیجانی ارتباط همبستگی وجود دارد. در نتیجه با پرورش هر کدام از مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توان به رشد هوش معنوی کمک کرد. بنابراین آنچه حائز اهمیت می‌شود، این است که آیا در کتب دینی به‌عنوان نسخه‌های انسان‌ساز و دارای حجت، به این مؤلفه‌ها توجه شده است؟

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که آیات زیادی در قرآن وجود دارد که مؤلفه مسئولیت اجتماعی را آموزش می‌دهد. از آنجایی که انسان به‌طور غریزی موجودی خودخواه و منفعت‌طلب است و داوطلبانه برای رفع نیاز دیگری اقدامی انجام نمی‌دهد، باید برای پرورش شاخص مسئولیت اجتماعی در او، به او تکلیف یا توصیه کرد. قرآن برای پرورش دین‌دارانی با هوش هیجانی پرورش‌یافته، در گام اول، مسئولیت اجتماعی را تکلیف می‌کند؛ به این صورت که هر جا خطایی سر زد یا قصوری صورت گرفت، کفاره گناه و اشتباه، انجام اعمال خیرخواهانه در حق دیگری است؛ در گام دوم، مسئولیت اجتماعی را توصیه می‌کند تا با اعمالی چون انفاق، زکات و صدقه در حق نیازمندان، مسئولیت اجتماعی تحقق یابد؛ در گام سوم، داشتن این فضیلت اخلاقی یا مؤلفه هوش هیجانی را تشویق می‌کند و از آن به‌عنوان قرض نیکو و معامله با خودش یاد می‌کند که انجام آن به سود فرد باورمند می‌انجامد؛ در نهایت و گام آخر، عدم مسئولیت اجتماعی را نکوهش می‌کند و در آیاتی به ترسیم عاقبت کسانی در آخرت می‌پردازد که به علت بی‌توجهی به نیاز یتیمان و مستمندان دچار مجازات الهی شده‌اند. بر اساس آیات قرآن، حضرت محمد ﷺ به‌عنوان رهبر جامعه دینی، در خصوص امر ارشاد بسیار احساس مسئولیت می‌کردند و از رنج و گمراهی مردم چنان ناراحت می‌شدند که برای توصیف این توانایی ایشان، واژه «حریص» به‌کار رفته است.

عهد جدید نیز به مؤلفه مسئولیت اجتماعی توجه نشان می‌دهد و آن را می‌توان در رفتار و توصیه‌های حضرت عیسی ﷺ مشاهده کرد. توجه آن حضرت به نیاز نیازمندان جامعه - حتی اگر نحوه و زمان آن توجه خلاف جریان رسوم و سنت جاری جامعه بود - نشان می‌دهد که ایشان از توانایی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. مهم‌ترین حکم ایشان در بیان شریعت، سفارش به مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. همچنین بعد از حضرت عیسی ﷺ، پولس تأثیرگذارترین شخص بر جامعه مسیحی است. او در نامه‌هایش به کلیساهای مختلف این شاخص رفتاری را به باورمندان توصیه می‌کند. به فکر دیگری بودن، گشاده‌دستی و دستگیری از نیازمندان، توصیفاتی است که می‌توان به آنها در عهد جدید اشاره کرد.

در پایان باید به این نکات اشاره کرد که در تطبیق صورت گرفته، هر دو کتاب به این مؤلفه توجه دارند و به پیروان خود این توانایی از هوش هیجانی را آموزش می‌دهند؛ ولی توصیه‌های قرآنی نسبت به عهد جدید بسیار چشمگیرتر است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در هر دو کتاب آیه‌ای وجود دارد که از مؤمنان می‌خواهند کمک به دیگری، نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت خاطر انجام پذیرد؛ لذا این توصیه، از قالب حکم و تکلیف دینی خارج می‌شود و به‌عنوان یک شاخص و ویژگی عاطفی مثبت در درون مخاطب دیندار رشد می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
عهد جدید، ترجمه هزاره نو.
امین، نصرت بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا: بی نا.
برونو، فرانک (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی روان شناسی. ترجمه فرزانه طاهری و مهشید یاسائی. تهران: بی نا.
توفیقی، حسین (۱۳۷۹). آشنایی با ادیان بزرگ. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم: مؤسسه هجرت.
حسن زاده، رمضان و ساداتی کیهادی، سیدمرتضی (۱۴۰۰). هوش هیجانی (مدیریت احساس، عاطفه و هیجان). تهران: روان.
حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: لطفی.
دایره المعارف کتاب مقدس (۱۳۸۲). ترجمه بهرام محمدیان و دیگران. ویراستار: آلیس علیایی. تهران: سرخدار.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). المفردات الفاظ القرآن. بی جا: ذوی القربی.
رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: ناشر پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل (۱۳۹۵). هوش معنوی و مقیاس های سنجش آن. تهران: نشر آوای نور.
سیاروچی ژوزف، فورگاس، ژوزف و مایر، جان (۱۳۸۳). هوش عاطفی در زندگی روزمره. ترجمه اصغر نوری امامزاده و حبیب الله نصیری، اصفهان: نوشته.
طالبی، ابوتراب و خوشبین، یوسف (۱۳۹۱). مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۹(۵۹)، ۲۱۶-۲۴۹.
طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. قم: بی نا.
فرامرزی، سالار، همایی، رضا، سلطان حسینی، محمد، (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی، ۳(۵)، ۷-۲۳.
قرآتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Quran. Translated by M. M. Fuladvand.

Amin, N. B. (n.d.). Tafsir makhzan al-irfan dar olum-e Quran. [Place of publication not specified]: [Publisher not specified].

Bruno, F. (2005). Farhang-e tosefi-ye ravanshenasi. Translated by F. Taheri & M. Yasaei. Tehran: [No publisher].

Encyclopedia of the Bible. (2003). Translated by B. Mohammadian et al. Edited by A. Aliayi. Tehran: Sorkhdar.

Faromarzi, S., Homaei, R., & Soltan Hosseini, M. (2009). Barresi-ye rabete-ye hoosh-e ma'nawi va hoosh-e hijani daneshjuyan. Dofaslnameh-ye elmi-takhasosi motale'at-e eslami va ravanshenasi, 3(5), 7-23.

- Hasanzadeh, R., & Sadati Kiyadehi, S. M. (2021). Hoosh-e hijani (modiriat-e ehsas, 'atafeh va hijan). Tehran: Ravanshenasi.
- Hosseini Hamedani, M. (1983). Anwar-e derakhshan dar tafsir-e Quran. Tehran: Lotfi.
- Jafari, Y. (1997). Tafsir kowsar. Qom: Mo'asseseh-ye hejrat.
- Makarem Shirazi, N. (1992). Tafsir nemouneh. Tehran: Dar al-ketab al-islamiyah.
- Makarem Shirazi, N. (2003). Bargozideh-ye tafsir nemouneh. Tehran: Dar al-ketab al-islamiyah. New Testament. Translated by Hezareh No.
- Qara'ati, M. (2004). Tafsir noor. Tehran: Markaz-e farhangi dars-ha-ye Quran.
- Qarashi Banabi, A. A. (1996). Tafsir ahsan al-hadith. Tehran: Markaz-e chap va nashr-e bonyad-e be'that.
- Raghib Isfahani, H. b. M. (2004). Al-mofradat fi gharib al-Quran. [Place of publication not specified]: [Publisher not specified].
- Rezaei Esfahani, M. A. (2008). Tafsir Quran mehr. Qom: Nashr-e pazhohesh-ha-ye tafsir va olum-e Quran.
- Siarocchi, J., Fargas, J., & Mayer, J. (2004). Hoosh-e 'atafi dar zendegi-ye rouzmarreh. Translated by A. Nouri Emamzadeh & H. Naseri. Isfahan: Neveshteh.
- Soheili, F., & Naseri, E. (2016). Hoosh-e ma'nawi va mighayas-e sanjesh-e an. Tehran: Nashr-e Avaye Noor.
- Tabataba'i, S. M. H. (1995). Tarjomeh-ye tafsir al-mizan. Translated by S. M. B. Mousavi Hamedani. Qom: Jame'eh-ye modarresin hozeh-ye elmiyeh Qom, Daftar entesharat-e eslami.
- Talabi, A., & Khoshbin, Y. (2012). Mas'ooliyatpaziri-ye ejtema'i-ye javanan. Faslnameh-ye olum-e ejtema'i, 19(59), 216-249.
- Tayyib, A. H. (1990). Atyeb al-bayan fi tafsir al-Quran. Qom: [No publisher].
- Tufiqi, H. (2000). Ashnai ba adyan bozorg. Qom: Mo'asseseh-ye farhangi Taha.
- English**
- Allen, A& Mintrom, Michael (2010), *Responsibility and School Governance, Educational Policy originally*, published online.24(3), p. 439-464.
- Bar-On, R. (1996). *The Emotional Quotient Inventory: A measure of emotional intelligence*. Toronto: ON Multi Health Systems.
- Bar-On, R. (1997). *The emotional quotient inventory (EQ-I): Technical manual*. Multi Health Systems.
- Edmiston, john (2001). *biblical EQ. A Christian handbook for emotional transformation*, copyright.
- Folger, R. & Cropanzano, R. (2001). *Fairness theory: Justice as accountability*. In In book: *Advances in Organizational Justice* , Publisher: Stanford University Press,Editors: Jerald Greenberg, p. 1-55.
- Hale, Thomas & Thorson, Stephen (2001). *The Applied New Testament Commentary*. Institution David C Cook. Editor Saro Khachiki, printed in india.
- Littrell, Brittany (2022), *A biblical model of emotional intelligence*. Liberty University.
- MacArthur, John (2007). *New Testament commentary*. Farsi translation published by Grace to you.
- MacDonald, William (1995). *Believer's Bible Commentary*. Thomas Nelson Publishers. Nashville. TN. p. 2383.
- Petrides, K. V. & Furnham, A. (2001). *Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies*. European Journal of Personality, 15(6), P. 425-448.
- Wong, C. S., & Law, K. S. (2002). *The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study*. The leadership quarterly, 13(3) ,P. 243-274.